

عبدالرفیع حقیقت - (رفیع)

نهضت‌های ملی ایران

(۳۱)

آغاز کار خرم دینان

همانطوریکه گفته شد آغاز ظهور دین خرمیان معلوم نیست از چه زمانی بوده است و مورخان اختلاف دارند که این کیش را بابک رواج داده یا پیش از او هم وجود داشته ووی بدان گرویده است .

اما چیزی که تقریباً در این میان مسلم بنظر میرسد اینست که پیش از بابک این کیش در میان بوده و بابک در ترویج آن کوشیده و آنرا به منتهای شکوه و نیروی خود رسانیده است .

نخستین بار که نامی از خرمیان در تاریخ پیدا میشود در سال ۱۶۲ هجریست که بگفته نظام‌الملک در سیاستنامه (در ایام خلیفه مهدی باطنیان گرگان که ایشان را سرخ علم یا سرخ جامگان خوانند با خرم دینان دست یکی کردند و گفتند ابو مسلم زنده است ، ما ملک بستانیم و بسرا و ابوالعزا را مقدم خویش کردند و تا به ری پیامدند حلال و حرام را یکی داشتند و زنان را مباح کردند و مهدی نامه نبشت به اطراف به عمر بن العلاء که والی طبرستان بود ، دست یکی کنید و به حرب ایشان روید برفتند و آن جمع پراکنده شدند . (۱)

و بار دوم در زمانی که هارون الرشید در خراسان بود (یعنی از سال ۱۹۲ تا سال ۱۹۳ هجری) (بار دیگر خرم دینان خروج کردند از ناحیت اصفهان ، ترمذین و کاپله

و فایک و روستاها و مردم بسیار از ری و همدان و دسته و گروه بیرون آمدند و به این قوم پیوستند و عده ایشان بیش از صد هزار بود ، هارون عبدالله بن مبارک را از خراسان با بیست هزار سوار بحرب ایشان فرستاد ایشان بترسیدند و هر گروه بجای خود باز شدند و عبدالله مبارک نامه نبشت که : مارا از بودلف نگزیرد بجواب نامه نبشت ، سخت صوابست ، ایشان هر دو دست یکی کردند و خرم دینان و باطنیان بسیار جمع شدند و دیگر باره دست به غارت و فساد بردند ، بودلف عجلی و عبدالله مبارک ناگه تاختن بردند و خلقی بی حدوبی عدد از ایشان بکشتند و فرزندان ایشان را به بغداد بردند و فروختند . (۱)

پس از آن چون ۹ سال از این واقعه بگذشت در زمان مأمون بابک از آذربایجان برخاست در کتاب مجمل فصیحی درباره این واقعه در حوادث سال ۱۶۲ چنین آمده است . (ابتدای خروج خرم دینان در اصفهان و باطنیان با ایشان یکی شدند و از این تاریخ تا سه نلثمائه بسیار مردم بقتل آوردند) . (۲)

از اینجا پیداست که تا سال ۳۰۰ هجری هم حوادثی از آنان روی داده است نظام الملک هم در سیاست نامه پس از ذکر واقعه سال ۱۶۲ میگوید : (بعد از این چون ۹ سال بگذشت بابک خروج کرد از آذربایجان ، این قوم قصد کردند که به او پیوندند و شنیدند که لشکر راه برایشان گرفته است ، بترسیدند و بگریختند .)

بر خوردهای اولیه حکام آذربایجان و ارمنستان با بابک

بطوریکه مورخان نوشته اند . مأمون عباسی حکومت ارمنستان و آذربایجان را به طاهر بن محمد صنعانی داده بود و بقولی هرثمه بن اعین هنگامی که رهسپار عراق بود از همدان او را فرستاد وی تا ورنان یکی از توابع آذربایجان آمد و از آنجا با

۱ - سیاست نامه خواجه نظام الملک صفحه ۲۴۷

۲ - مجمل فصیحی به تصحیح محمود فرخ جلد اول صفحه ۲۳۰ .

فرماندهان ارمنستان و سران سپاهش مکاتبه کرد و در نتیجه برای مأمون بیعت گرفت و عامل آنجا از طرف مخلوع اسحاق بن سلیمان و عمر و حزون و نرسی و عبدالرحمان بطریق اران و جماعتی از بظریقان همراه وی بودند و بقصد حمله بر مردم برزعه که پسرش را بیرون کرده بودند روی نهاد، در این موقع طاهر بن محمد صنعانی عامل مأمون زهیر بن سنان تمیمی را با لشکری انبوه بر سر ایشان فرستاد و جنگ سختی بین آنان در گرفت و عاقبت اسحاق بن سلیمان و یارانش هزیمت یافتند و پسرش جعفر بن اسحاق بن سلیمان اسیر شد، زهیر بن سنان او و اسیران دیگر را نزد مأمون فرستاد ولی طاهر صنعانی چند روزی در آنجا بیشتر نماند که عبدالملک بن جحاف سلمی بیاری مردم بیلقان بروی خروج کرد، مردم بیلقان نماینده خلیفه را در شهر برزعه محاصره کردند و چند ماه این محاصره بطول انجامید، وقتی مأمون از این واقعه خبر یافت سلیمان بن احمد بن سلیمان هاشمی را به حکومت ارمنستان و آذربایجان برگزید، سلیمان هنگامی به آنجا رسید که طاهر هنوز در محاصره بود پس او را از محاصره درآورد و به بغداد باز گردانید و به عبدالملک نیز امان داد.

بعد از سلیمان بن احمد مأمون حکومت ارمنستان و آذربایجان را به حاتم بن هرثمه بن اعین داد و او هنگامی به آن نواحی رسید که میان معتزله و اهل سنت دشمنی و نزاع پیش آمده بود و یکدیگر را چنان میکشتمند که نزدیک بود نابود شوند، ولی پس از مدتی سازش کردند، چند روزی از توقف حاتم بن هرثمه در شهر برزعه (۱) نگذشته بود که از کشته شدن پدرش هرثمه که چگونگی آن در صفحات قبل بیان شد خبر یافت، وی از برزعه بیرون آمد و در کسال منزل کرد و در آنجا پناهگاهی ساخت

۱ - برزعه در قرن چهارم کرسی ایالت اران واقع در شمال رود ارس بوده و خرابه -
 هایش تاکنون باقی است (سرزمینهای خلافت شرقی تألیف لسترنج ترجمه محمود عرفان
 صفحه ۱۹۰) .

و نقشه یاغی شدن را کشید و با بطریقان و سران مردم ارمنستان و نیز با بابک و خرمیان مکاتبه کرد و امر قدرت و شوکت مسلمانان را نزد آنان ناچیز نشان داد پس بابک و خرمیان جنبش کردند و بابک در ناحیه آذربایجان پیروز شد ، چون مأمون خبر یافت حکومت آن بلاد را به یحیی بن معاذ بن مسلم مولای بنی ذهل داد ، یحیی بن معاذ چندین نبرد کرد و در هیچیک از نبردها پیروز نگردید ، مأمون ناگزیر حکومت آذربایجان و ارمنستان را به عیسی بن محمد بن ابی خالد فرمانده جنگجوی ایام مخلوع واگذار نمود و دستور داد سپاهیان را مجهز کند و از مال خود جیره شان را بپردازد ، پس عیسی بن محمد آنان را با مال خود براه انداخت و آنان همانها بودند که در ناحیه مدینه السلام سکونت داشتند و احدی از سپاهیان حربه که در (ایام) فتنه بودند در بغداد باقی نماند عیسی بن محمد وقتی بمحل خدمت خود رسید محمد بن رواد از دی و همه رؤسای آن بلاد نزد او آمدند و برای جنگ با بابک آماده گشت و از راهی تنگ پیش رفت در این موقع بابک آگاهانه با وی برخورد کرد و او را هزیمت داد و عیسی بی آنکه بچیزی باز نکرد میگریخت بعضی از عیاران حربه او را فریاد زدند که ای ابو موسی بکجا می گریزی ؟ گفت : ما را در جنگ اینان بختی نیست ، تنها در جنگ با مسلمانان است که از ما می ترسند ، و از آذربایجان به ارمنستان رفت و به سواده بن عبدالحمید جحافی که یاغی شده بود پیشنهاد حکومت ارمنستان داد ولی او بجز جنگ با وی تن نداد پس با او جنگید و با سختی و پافشاری بسیار وی را هزیمت داد ، با این ترتیب ارمنستان برای عیسی بن محمد رام و آرام گشت و کار بابک در بند (بذین) بسی بالا گرفت ، پس مأمون زریق بن علی بن صدقه ازری را حکومت داد او نیز کاری نکرد و مأمون حکومت را به محمد پسر حمید طوسی سپرد وقتی زریق از عزل خود خبر یافت یاغی شد و نافرمانی را آشکار ساخت ، محمد بن

حمید از راه رسید وزیرق باوی جنگید ، سرانجام همراهان زیرق کشته شدند و خود او نیز امان خواست و محمد او را امان داد، و نزد مأمون فرستاد محمد بن حمید پس از مدتی اقامت در آذربایجان همه یاغیان و سرکشان آن نواحی را منکوب کرد تنها فتنه‌ای که باقی ماند و محمد بن حمید مأموریت داشت فرو نشاند شورش و قیام بابک خرم دین بود که موجب وحشت بیش از اندازه دولت مقتدر عباسی گردیده بود .

محمد بن حمید وقتی برای جنگ بابک نیرویافت بسوی جایگاه او پیش رفت و با یاران بابک سخت جنگید و در همه حال پیروز شد ولی در پایان ضمن پیشروی بسوی موضع خرم‌دینان به تنگنای ناهمواری رسید ناگزیر ابن حمید و گروهی از همراهانش پیاده شدند ، در همین حال یاران بابک برایشان حمله بردند و محمد بن حمید فرمانده اعزامی مأمون به آذربایجان و جماعتی از سران سپاه او کشته شدند . و سپاه وی هزیمت یافت و مهدی بن احرم خویشاوند ابن حمید فرمانده سپاه شد . این حادثه در اول سال ۲۱۴ هجری اتفاق افتاده است .

مقابله عبدالله بن طاهر با بابک خرم دینی

بعد از کشته شدن محمد بن حمید فرمانده سپاه اعزامی جهت مقابله با بابک ، مأمون عبدالله بن طاهر را بحکومت نواحی جبال و آذربایجان و ارمنستان برگزید و به قاضیان و عاملان خراج نوشت تا بفرمان او باشند پس عبدالله بسوی محل مأموریت خود رهسپار گردید و در دینور اقامت گزید وی به مهدی بن احرم و محمد بن یوسف و عبدالرحمان بن حبیب همان فرماندهانی که همراه محمد بن حمید بودند نوشت که در جاهای خود بمانند ، بطوریکه نوشته‌اند بابک در برابر عبدالله نتوانست مقاومت کند و به درمستحکمی در کوهستان بند یا بدین پناه برد، از این تاریخ تا سال ۲۱۸ هجری

از فعالیت بابك و یا همچنین مقابله با او خبری در کتابها نیامده است .

قیام خرم‌دینان در سال ۲۱۸ هجری

در حوادث سال ۲۱۸ هجری یعنی سال فوت مأمون نوشته‌اند که (چون سال دو بیست و هژده اندر آمد دیگر باره خرم دینان به اصفهان و پارس و آذربایگان و جمله کوهستان خروج کردند ، بدانکه مأمون به روم شده بود و همه به يك شب وعده نهاده بودند و به همه ولایتها و شهرها کار راست کرده ، شب خروج کرده ، شهر غارت کردند و در پارس بسیار مسلمان کشتند و زن و فرزندان برده بودند و در اصفهان سرایشان مردی بود علی مزدك از در شهر بیست هزار مرد عرض داد و با برادر به کوه شد و بودلف غایب بود و برادرش معقل بکوه بود ، با پانصد سوار مقاومت نتوانست بگریخت و به بغداد رفت علی مزدك کوه بگرفت و غارت کرد و هر کرا یافت از اهل اسلام بکشت و فرزندان عجلیان را برده کرده و باز گشت به آذربایگان تا به بابك پیوندد و از جوانب خرم‌دینان روی ببابك نهادند اول ده هزار بودند ، بیست و پنج هزار شدند و میان کوهستان شهر کی هست آنرا (شهر ستانه) خوانند ، آنجا جمع شدند و بابك بدیشان پیوست .) (۱)

از این جا پیداست که خرم‌دینان پس از جنبشی که در سال ۱۶۲ کرده‌اند ۹ سال بعد یعنی در سال ۱۷۱ باز بیرون آمده‌اند سپس چندین بار دیگر در ۲۰۰ و ۲۱۲ و ۲۱۴ و ۲۱۸ نیز بجنبش مهم و دامنه‌داری تا ۲۲۳ دست زده‌اند و این جنبش اخیر ایشان بیست سال تمام ادامه داشته است .

(ناتمام)